



### از نگاه فریدون ایل بیگی

### نوشته های سیاسی

آوردن این مطالب نه به معنای تائیدست و نه « تبلیغ » و نه ... تنها برای خواندنست و ...

## فریدون ایل بیگی : اسلام بر بستر چه شرایط تاریخی بوجود آمد؟ ( مروری در کتاب « محمد » اثر ماکسیم رودنسون ) 3

اجتماعی مشخص متولد شده است . در شماره آینده " اندیشه رهائی " ،  
دنبال خواهیم کرد .

### توضیحات

۱- بعنوان مثال همین موقعیت جهانی بود که پس از جنگ دوم جهانی - نه قبل از آن - ، در پیدایش دولت یهود در فلسطین نقش اساسی ایفاء کرد .  
۲- و این ، یکی از مفاهیم عام ایدئولوژی است . و ایدئولوژی بمفهوم خاص ، مانند هر مفهوم دیگر ، در جامعه طبقاتی ، در تحلیل نهائی ، يك مقوله طبقاتی است و جز به مفهوم ایدئولوژی طبقه حاکم ، معنای دیگری ندارد . به این مفهوم خاص ، " ایدئولوژی " های گوناگون ( از جمله " ایدئولوژی مذهبی " ) ، جزئی از اجزای و بُعدی از ابعاد ایدئولوژی طبقات جامعه ، در يك دوره مشخص تاریخی اند . امحاء ایدئولوژی ها ( به مفهوم عام و خاص ) ، با زوال طبقات و امحاء جامعه طبقاتی ، تحقق پذیر است .

۳- در باره جنگ دوم رژیم ارتجاعی ایران و عراق ( در باره این که چرا و به چه دلیل و بر اساس چه فاکت هایی جنگ نه در ۳۱ شهریور ۵۹ - " تاریخ رسمی " آغاز آن - بلکه در همان اول قدرت یابی رژیم اسلامی ، توسط بخششی از حاکمیت آنروز - و در راس آن خمینی - ، شروع شد ، چرا و به چه دلیل رژیم ولایت فقیه امروز در کلیت خود ، به جنگ ادامه می دهد و چاره ای جز آن ندارد ، آینده این جنگ چیست و سرنوشت رژیم کدامست ؟ ) ، مراجعه کنید به " رهائی " ، دوره جدید ، شماره اول ، دیماه ۱۳۶۱ .

لازم به تذکر است که هیجده ماه بعد از چاپ این مقاله " رهائی " ، فدائیان خلق ( اقلیت ) در نشریه خود ( " کار " ، مورخ ۱۴ شهریور ۶۳ ) مقاله ای منتشر کردند تحت عنوان " چرا جنگ آغاز شد ؟ " . و در این مقاله ، رفقای اقلیت ، بنا " صداقت انقلابی " ، چند تراز ترهای اساسی آن مقاله " رهائی " را ، بدون ذکر ماخذ ، اقتباس می کنند :

- " تاریخ رسمی " جنگ نه ۳۱ شهریور ۵۹ بلکه " ۱۵ ماه قبل از آن " است .
  - رژیم خمینی چرا به این جنگ نیاز داشت و به چه منظوری به آن دست زد .
  - چرا و به چه دلیل به پایان این جنگ تمایل ندارد .
- ضمناً رفقای اقلیت ، با آن که در سرتاسر مقاله شان بسخوبی پیدا است که



## روزانه ها <http://rouzaneha.org>

رژیم خمینی را مسئول آغاز جنگ می دانند ولی هنوز آن را به صراحت "رهائی" اعلام نمی کنند و نتیجه گیری را به عهده خواننده می گذارند یعنی مفهوم آن را دقیقاً القاء می کنند ولی اسمش را نمی برند!

علاوه بر این ها ، اقلیت ، امروز - بیشتر از پنج سال از آغاز جنگ ، تازه متوجه می شود که آغازگر جنگ لزوماً طرفی نیست که اولین گلوله را شلیک کرد بلکه [بقول کلاویتز] ، جنگ در واقع ادامه سیاست است از طریق وسایل دیگر - بدیگر سخن ، اقتباس یکی دیگر از تزه های "رهائی" که هیجده ماه قبل از نگارش این مقاله "کار" انتشار یافته بود .

۴- غزوات جمع غزو و غزوه است . اگر اصطلاحات و تعابیر و توجیبات فقهی آن ( جنگ با کفار و غیره که پیغمبر همراه آن باشد و اگر نباشد آن را "سریعه" و "بعث" گویند و غیره) را کنار بگذاریم ، معنای واقعی آن عبارت است از شبیخون ، حمله های غافلگیر کننده بمنظور غارت و چپاول ، راهزنی و نظایر این ها .  
واژه فرانسوی Razzia (رژیا یا ژریا) از همین واژه عربی غزوه گرفته شده است . در فرهنگ روبر آمده است :

" Razzia ( با تلفظ Razja ) ، اسم مؤنث . در ۱۸۴۱ وارد زبان فرانسه شده . در عربی الجزایری Rhāzya و در عربی کلاسیک Rhāzāwa ( بمعنای "حمله" ) تلفظ می شود . حمله ایست که یک گروه به یک قبیله ، یک واحه و یک قصبه بمنظور ربودن گله ها و محصولات و غیره انجام می دهند ."

از غزوه خندق که ( به ابتکار سلمان فارسی انجام شد و او تکتیک بکار برده شده در این نبرد - کندن خندق بدور مدینه - را از جنگ های نظامی ایستمران وام گرفته بود ) بگذریم ، غزوات محمد ، غالباً به مفهوم نظامی واژه ، "جنگ" نبود ، غزوه یا Razzia یعنی شبیخون ، حمله های غافلگیر کننده ، به منظور غارت و چپاول بود . این را ما ادعا نمی کنیم حتی عبدالحمین زرین کوب ، یکی از پر شور ترین ستایشگران محمد و "اهل بیت" او ( علی رغم تفسیرها یا توجیبات جانب دارانه خود ) ، در کتاب "بامداد اسلام" مجبور به اعتراف است ( در باره این کتسمباب در یاد داشت ۲۱ توضیح بیشتری می دهیم ) :

" این جنگ ها چند ماه بعد از هجرت آغاز شد و در ابتدا جز همان زد و خورد هتسای همیشگی - از قدیم - بین قبایل عرب روی می داد چیزی نبود . . . وقتی از نزدیک شدن قافله قریش به حوالی مدینه خبر می رسید پیغمبر یک دسته چهل پنجاه نفری از مسلمین را تجهیز می کرد ، پارچه لوایی بر نوك نیزه سر دسته شان می بست و آن ها را از مدینه سسه بیرون می فرستاد تا در خارج شهر در مسافت دو یا سه روز راه بر سر چاه های سسه معمولاً توقفگاه کاروان ها بود در انتظار قافله قریش بنشینند . از آن میان کسانی هم بعنوان



http://rouzaneha.org

روزانه ها

طلایه جدا می‌شدند و برای کسب خبر از مسیر کاروان و موقعیت کاروانیان - پنهانی به استقبال قافله می‌رفتند . بعضی اوقات معلوم میشد که کاروان رفته است و از دستبرد سُرید مسلمان این مانده . گاه نیز عُدّت و قوت کاروان مانع از حمله مسلمان می‌شد . با این همه پاره‌یی اوقات نیز زد و خورد روی می‌داد و غالباً به کاروان قریش لطمه وارد میشد . در مواردی که جنگ اهمیت داشت پیغمبر خود نیز در معرکه حاضر میشد . . . . از بین این جنگ ها که غزوه خوانده میشد مخصوصاً دو وقعه در سال های نخست شهرت و آوازه بسیار یافت : بدر واحد ! بامداد اسلام - دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۲۲، صفحات ۳۳-۳۴ .

مثلاً در باره غزوه بدر چنین می‌نویسد :

" غزوه بدر در سال دوم هجرت روی داد . قضیه از این قرار بود که مسلمان در صدد برآمدند بر یک کاروان قریش که از شام می‌آمد و ابوسفیان ابن حرب از شیوخ بنی امیه [ همدست بعدی محمد ] ، سرپرست آن بود دستبرد می‌زنند " ( همانجا ، ص ۳۳ ) .

حملات اولیه اعراب به ایران نیز در زمره همین غزوات ( razzia ) بود . اعراب کم‌کم به فنون نظامی آن دوره آشنائی یافتند و آن را در جنگ های خود چه علیه ایران و چه در مورد سایر کشورها بکار بردند . در باره غزوات و انگیزه های اصلی اعراب بدوی در شرکت در آن ها ، همچنین مراجعه کنید به یادداشت شماره ( ۲۰ ) .

۵- می‌گوئیم که "عامل زور، نقش مهمی داشت" ، نه این که تنها عامل بود . چرا همان‌نظوری که در صفحات قبل نیز اشاره کرده ایم برای این که یک دین بصورت دین حاکم درآید عوامل دیگری هم لازمست از جمله مهمترین آن ها : شرایط خاص یک جامعه حضور آن را طلب کند و نیز موقعیت عمومی جهانی ، حضور و استقرار آنرا، خواسته یا ناخواسته ، تحمل کند .

۶- " تاریخ ایران ، از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی " ، نوشته ن . و . پیگولوسکایا ، آ . یو . یاکوبوسکی ، ای . پ . پطروشفسکی ، آ . م . بلنیتسکی ، و . استرویوا ، چاپ چهارم ، انتشارات پیام ، زمستان ۱۳۵۴ ، ص ۱۱۹ .

کتاب " تاریخ ایران " که در این بخش از نوشته حاضر بدفعات به آن استناد خواهیم کرد ، توسط مترجم دانشمند ، کریم کشاورز ، به فارسی ترجمه شده و برای اولین بار ، در سال ۱۳۴۸ توسط " مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی " ، بچاپ رسید . این کتاب یک تحقیق سترگ در باره تاریخ گذشته ایران ، اثریست که هیچ محقق و پژوهنده تاریخ ایران ، حتی کسانی که در برخی از زمینه ها ( خصوصاً در زمینه ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران ) ، با ارزیابی های نویسندگان این کتاب موافق نباشند ، از مراجعه و استناد به آن بی نیاز نتوانند بود .



http://rouzaneha.org

روزانه ها

۷- همانجا ، ص ۱۴۷ .

۸- "محمد" ، ماکسیم رودنسون ، ص ۸۴ .

۹- در مورد تاریخ تولد محمد ، اختلاف نظر فراوان وجود دارد . رودنسون در کتاب "محمد" ( ص ۶۱ ) در این باره می نویسد :

"هیچکس بدست نمی داند محمد ، کد می بایست پیغمبر الله شود ، چه وقت متولد شده است . تصور می رود که در زمان پادشاهی خسرو انوشیروان یعنی قبل از ۷۵۹ متولد شده باشد ، امری که محتمل است . گفته می شود که در سال قبل یعنی سالی که پرنسده گان آسمان ، لشکر ابرهه ( Abraha ) را در مقابل مکه مضمحل کردند ، بدنیا آمده باشند [ به موجب روایت مشهور ، در سالی که ابرهه سردار حبشی با نیل و لشکر بد مکه آمد و به قولی چند سال بعد ۰۰۰ نوزادی بدنیا آمد که محمد نام گرفت " ( با مداد اسلام زین کوب ، ص ۲۰ ) ] ، امری که قطعاً ساختگی است . تاریخ های دقیق عنوان شده بر اساس محاسبات بسیار مشکوک ، بین سال های ۵۷۳-۵۶۷ قرار دارد . غالباً تاریخ ۵۷۱ را مورد تأیید قرار داده اند ."

اگر تاریخ تولد محمد را همین سال ۵۷۱ بدانیم ، نظر به این که گفته می شود محمد در چهل سالگی بد پیامبری مبعوث شد ، در نتیجه ، بر اساس يك تصادف تاریخی ( لابد مذهبیون خواهند گفت: "بنا به مشیت الهی" ) ، اولین یورش اعسرا ب به ایران ، آغاز پیروزی های بزرگ ایران بر روم شرقی و ادعای پیغمبری محمد ، همه در سال ۶۱۱ با هم مقارن شده اند . البته باید توجه داشت که حمله اعسراب به ایران که نویسندگان "تاریخ ایران" از آن بعنوان "آزیر خطر" یاد می کنند هیچ ربطی بد محمد و اسلام و ادعای پیغمبری او ندارد چرا بطوری که می دانیم محمد حتی سال های متعدد بعد از "مبعوث شدن به پیغمبری" ، جدی گرفته نمی شد و مورد ریشخند و مسخره مردم مکه قرار داشت . پس از "هجرت" ( یا در واقع فرار مخفیانه او ) به مدینه ، در سال ۶۲۲ میلادی ( مطابق با سال اول هجری ) است که ستاره اقبال او کم کم درخشیدن می گیرد . اولین "غزوه" او - غزوه بدر - در سال ۶۲۳ میلادی ( سال دوم هجری ) انجام شد ، آن هم در اطراف مدینه .

۱۰- تاریخ ایران ، ص ۱۵۱ و ص ۱۵۷ .

۱۱- "ایالتی بین بلخ و بدخشان . در زمان ساسانیان و تسلط عرب ، ایمن ایالت از ساحل جیحون تا معابر هند و کش وسعت داشته است" ( فرهنگ معین ، محمد معین ، ص ۲۸۰ ) .

۱۲- تاریخ ایران ، ص ۱۵۸ .

۱۳- همانجا ، همان صفحه .

۱۴- "در آن موقع یزدگرد سوم که از يك ایالت بد ایالت دیگر می رفت به مرو ، شهر



http://rouzaneha.org

روزانه ها

عهد خراسان آن روز رسید . صاحب و مرزبان آن شهر ، ماهوی نام داشت . ماهوی بد یزد گرد خیانت ورزید و دروازه شهر را بروی او بست و سپید اعراب تسلیم شد " ( " تاریخ ایران " ، ص ۱۵۷ ) .

۱۵- همانجا ، همان صفحات ۱۵۶-۱۵۴ .

۱۶- همانجا ، ص ۱۵۶ .

۱۷- همانجا ، صفحات ۱۵۷-۱۵۶ .

۱۸- همانجا ، ص ۱۵۵ .

۱۹- بعنوان نمونه در زمان امویان :

" فشار سران عرب بر روستائیان باعث فرار آن ها از روستاها گردید و خلفای عرب به شکل های مختلف و از جمله آویختن گردن بند های سرب بد گردن روستائیان از حرکت آن ها به شهر ها و نقاط دیگر معانعت آوردند . در بسیاری از نقاط ایران نیز مردم بارها از پرداخت خراج سر باز زدند " ، " تکامل فتوای البسم در ایران " ، نوشته فرهنگساز نعمانی ، جلد اول ، انتشارات خوارزمی . سال ۱۳۵۸ ، فصل " نهضت های مردم در دوره های تسلط اعراب و سلسله های محلی " ، ص ۳۸۹ ( به نقل از " فتوح اللبیدان " ، نوشته احمد بن یحیی البلابداری ترجمه آذر تاش آذر نوش ، تهران ۱۳۴۶ ، ص ۷۲ ) .

۲۰- در اینجا بحث ما بر سر محرك اصلی و اوانید غازیان عرب و مهمترین انگیزه اعراب بدوی چه در زمان محمد و چه در زمان خلفای راشدین است ، البته عاملی غیر مادی یعنی وعده بهشت و مواهب آن بشرحی که در قرآن آمده است بویژه برای مردم ساده لوح و محروم عربستان نادیده گرفتنی نیست . سلطان زاده نویسنده کتاب " اقتصاد و مسائل انقلاب ملی در کشورهای آسیای دور و نزدیک " ، مسکو ، ( ۱۹۲۲ ) در فصل هشتم کتاب ، تصویر درخشانی از آن بدست می دهد ( و این تصویر درخشان ، حتی از ورای نثر الکن و معیوب مترجم فارسی این فصل از کتاب سلطان زاده ، بخوبی نمایان است . بهر تقدیر ، بخاطر در دست نداشتن ترجمه فرانسوی این کتاب سلطان زاده - که ترجمه فصل هشتم آن از روی همین ترجمه فرانسوی صورت گرفته است - ، مجبوریم که عبارات زیر را از روی صفحات ۶۵ - ۶۴ مجموعه ای که مشخصات آن متعاقبا خواهد آمد نقل کنیم ) :

" در مورد بهشت او هیچ چیز را از قلم نیانداخته است . تخیل عنان گسیخته او آنچنان بهشت را جذاب و قابل فهم توصیف کرد که موفقیت دین جدید را تضمین می کند . در بهشت فرد مومن تمام آن چیزهایی را می یابد که در صحرای وحشی ، در فقر و کمبود های آن هرگز نداشته است . و فقط در رویاهای خود می بیند . فرد ثروتمند هم چند برابر آنچه در روی زمین صاحب است در بهشت خواهد یافت .

گرمای طاقت فرسای عربستان آرزوی يك باغ مشجر را به صورت رویا در می آورد . بهشت



# روزانه ها <http://rouzaneha.org>

به مثابه يك باغ بزرگه توصیف می‌شود که بسیار مجلل است . آرزوی آدوقه کانی و مستمر به صورت غذاهای لذیذ و بهترین شراب‌ها در بهشت تحقق می‌یابد . اعراب رنگ‌های تند و لباس‌های براق را دوست دارند . در بهشت لباس‌های براق از ابریشم نازک و مملو از سنگ‌های گرانبه، مروارید و الماس و تاج‌های زرین مزین به سنگ‌های قیمتی انتظارشان را می‌کنند . اعراب از کارطانت فرسا بیزارند ، و برای کار خود به خرید و به کارگاردگان می‌پردازند . بهشت به آنان صد برده و مستخدم می‌دهد ، بردگان تمام اعیال آن‌ها بر می‌آورند ، غذایشان می‌دهند و آنان را لباس می‌پوشانند ، غنای را در ظروف طلائی و آشامیدنی را در تنگ‌هایی زرین به پیششان می‌آورند . غنای را در آشامیدنی در معده ساکنان بهشت از طریق يك عرق نامرئی هضم می‌شود .

اما بزرگترین خوشبختی فرد مومن در آغوش زنان بهشتی تحقق می‌یابد . فرد مومن می‌تواند زنان خود در این دنیا را همراه خود بیاورد . لیکن علاوه بر آنان فرد مومن را هفتاد و دو حوری ربابا جثمان درخشان انتظار می‌کنند . این حوریان زیبا و جسوان به هیچ روی نقطه ضعف زنان زمینی را نداشته ، بلکه تمام محسنات آنان را در خود دارند . حوریان ، زیبا رویان چشم سیاه با سیندهای گلآیین ، با سیند بدنانی مروارید گونه و مراحانی رنگ هستند . ما دخترانی در بهشت آفریدیم که از سرشت ویژه‌ای هستند ، و سبباً زنان زمینی قابل مقایسه نیستند ، ما به آنان مصیبت بگارت ابدی داده‌ایم . حوریستان طیس به کمریندهای طلائی و لباس‌های ربیبی اطلسی هستند و بر روی پشنتی‌ها می‌لغزند . چد پاداش دلپذیری !

برای این که از لذایذ خود بهره مند شوند ، مومنان با تمام نیروی جسمانی خود به زندگی بهشتی باز می‌گردند . با نیروی حواس سی ساله در زمان حیات زمینی و هرگز پیر نمی‌شوند . آنان که خواهان تشکیل خانواده هستند صاحبان کودکان خواهند شد که نه می‌گیرند و نه فریاد بر می‌آورند . زندگی مومنان در بهشت خالی از هر گونه نگرانی است و در میان جویبارهای شیر و عسل چشمه‌های شراب و آب زلال ، که هم چون بچ سرد است ، خواهند زیست . آنان بر روی جاده‌هایی مملو از مروارید ، در باغ‌هایی با درختان سبز که از مرط بار سر حمیده کرده‌اند ، به سیاحت خواهند پرداخت . برای استراحت و خواب صاحب قصرهایی با فرش‌های گرانبه بر روی زمین و دیوار خواهند بود ، و در بسترهای لطیف ابریشمین و لحاف‌های نوح خواهند خوابید . پریان با اورد الهی گوشه‌های آنان را سوازش خواهند داد ، تمام این تحملات ، زنان ، اغذیه ، حیوان هرگز فرد مومن را خسته نخواهند کرد . این است تصویر خوشبختی در بهشت که به غیر از چادر نشینان دیگران را نیز به اسلام نزدیکتر می‌کند .<sup>۱</sup> به نقل از "اسناد تاریخی جنبش کارگری و سوسیالیسم و کمونیسمی ایران (۲۰۱)" ، "آثار آویس سلطسان زاده (۳)" ، صفحات ۶۵-۶۶ ، انتشارات پاندره ، پاریس ۱۹۸۴ - که تلخیص از فصل هشتم کتاب فلانامبرده شده . تحت عنوان "اسلام و پان اسلام" . در مجموعه فوق الذکر



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

به فارسی ترجمه شده است) .

ترندی نیست که باغ‌های مشجر، درختان سرسبز، میوه‌های گوناگون، چشمه‌های آب زلال و سرد همچون یخ، پریان زیبا روی و با چشمان درخشان، لباس‌های نرم، غذاهای خوب و دلپذیر و ده‌ها وعده دیگر برای اعراب بسندوی چادر نشین که در صحاری سوزان و بی‌آب و علف عربستان، مدام با شتر خود برای نمرود در جستجوی غذائی اولیه و آب باریکه‌ای سرگردان بودند بسیار خیال انگیز بوده است . ولی همانطوری که گفته ایم، آنچه انگیزه اصلی و اولیه این مسردم محروم را تشکیل می‌داده، بدست آوردن لذات بلافاصله، مادی ( زن و شسرورت) در همین دنیای " فانی " بود . محمد زیرکانه، از طریق آیه‌های مختلف قرآن در باره تقسیم غنائم ( اموال و زنان اسیران ) این نیاز را بر طرف می‌کرد و این امر نه فقط برای مردم محروم عربستان بلکه حتی برای ثروتمندان حریص نیز گیرائی فراوان داشت . علاوه بر این، محمد چیر هائی را در مورد " زندگی جاودانسی " در بهشت تصویر می‌کرد که مرد عرب در بهترین حالات نیز از آن‌ها محروم بود . در اینجا فرصت باز کردن این موضوع را نداریم که محمد، بهشت (ونیز جهنم) خود را بطور کامل از بهشت (وجهنم) سایر ادیان شرق، بویژه مسیحیت، اقتباس کرده است، ادیان مردمانی دیگر که در شرایط جغرافیائی کم و بیش مشابه زندگی می‌کردند .

در زمان محمد حمله به کاروان‌ها، حمله به یهودیان مدینه، تصرف اموال آن‌ها ( و بیرون راندنشان از مدینه )، حمله به ثروتمندان قریش و در زمان خلفای راشدین حمله به کشورهای ثروتمند ایران و شام و مصر و غیره، عمدتاً محرک مسادی داشت و همانطوری که گفته ایم محمد و نیز جانشینان او هوشمندانه از این محرک برای ترغیب و تحریص مرد عرب برای یورش‌ها و شهبخون‌ها و جنگ‌ها استفاده می‌کردند . این نکته ایست که کتیه مورخان و محققان غیر اسلامی در مورد آن متفق القول اند و حتی نویسندگان اسلامی ( بطوری که در صفحات بعد در نمونه کتاب " بامداد اسلام " خواهیم دید ) غالباً مجبور به تأیید آن شده‌اند چرا که آیهات قرآن در باره غنائم و تقسیم آن را نمی‌توان نادیده گرفت . در حالی که در قرآن تقسیم غنائم مشخص شده است یعنی يك پنجم غنائم به محمد می‌رسید با این حال بخاطر " دبه " در آوردن های محمد، این امر چه جدال‌ها و نفاق‌های بیسن محمد و غازیان که بوجود نیامد . نمونه اش مزارع حاصلخیز " فدک " بود که پس از بیرون راندن یهودیان بدست مسلمانان افتاد و محمد بدون توجه به قاعده‌ای که خود وضع کرده بود، تمام آن را به دخترش فاطمه بخشید و یا در تقسیم زنان



http://rouzaneha.org

روزانه ها

اسیر، غالباً زیباترین آن ها را برای خود انتخاب می کرد ، نمونه اش زن زیبای مسیحی مصری بنام ماریا *Mārya* که پس از به قتل رساندن شوهرش، محمـــــــد او را برای خود انتخاب کرد . این زن ( مانند ریحانه بنت زیاد ، زن یهـــــــبودی که محمد پس از کشتن شوهرش او را به حرمسرای خود وارد کرد ، رجوع کنید به "محمد" اثر رودنسون ص ۲۴۷ و ص ۳۷۰ ) ، چند بار اقدام به مسموم کردن محمد کرد و لسی محمد هر بار ، گناهش را به جمالش بخشید .

بهر تقدیر این یاد داشت را با ذکر نقل قولی از کتاب "تاریخ ایران" ، درباره

غزوات و جهاد و تقسیم غنائم و نحوه تقسیم آن ، پایان می دهیم :

"اسلام مسلمانان را تشویق می کرد تا در لشکرکشی های بنام جهاد بخاطر تسخیر و فتوح کشورهای دیگر و تصرف اموال کفار حری شرکت جویند . در قرآن سوره ویژه هشتم درباره "غنائم جنگی" وجود دارد که مسلمانان را تحریص به شرکت در این جنگ ها می نموده . به گفته قرآن ، غازیان اسلام که وارد خاک کفار می شوند حق دارند زنان و مردان غیر نظامی را بکشند و یا به بردگی بگیرند ( به استثنای راهبان ) ، زنان و کودکان را بنده سازند و هر مال منقولی از قبیل طلا و نقره و منسوج و دام را تصاحب کنند . اسیران - برده از زن و مرد نیز جزو غنائم جنگی شمرده می شدند . خمس ( یک پنجم ) مجموع غنائم در اختیار امام - یعنی رئیس دولت عربی گذاشته می شد و چهار پنجم غنائم میان سپاهیان تقسیم می شد : یک سهم پیاده می برد و دو سهم سوار . جهاد برای غازی عرب نبود - شروت و مکنت بود . از مرگ به هنگام جهاد نیز بیمنی نداشت زیرا اسلام به "شهید راه دین" تمام موهبات بهشت را وعده داده بود " ( صفحات ۱۵۱-۱۵۰ ) .

۲۱- "بامداد اسلام" ، "تالیف دکتر عبدالحسین زرین کوب" ، انتشارات امیرکبیر ، "چاپ اول ۱۳۴۵ ، چاپ دوم ۱۳۵۶ ، چاپ سوم ۱۳۵۵ ، چاپ چهارم ۱۳۶۱ ، چاپ پنجم ۱۳۶۲" .

بررسی این کتاب فرصت جداگانه ای می طلبد و در اینجا فقط چند نکته را بطور

گذرا اشاره می کنیم :

۱- تاریخ چاپ های اول و سوم قطعاً اشتباه است : مقدمه چاپ اول به تاریخ اردیبهشت ۴۶ است و چاپ اول کتاب نمی تواند در سال ۱۳۴۵ بوده باشد . چاپ سوم نیز باید بعد از ۱۳۵۶ باشد نه " ۱۳۵۵" .

۲- آیا از چاپ دوم به بعد کتاب ( از سال ۵۶ به بعد ) تغییرات اساسی در متن چاپ اول داده نشده است ؟ ( این سؤال است نه اتهام - چرا که چاپ اول آن را در اختیار نداریم ) . بهر حال مقایسه چاپ اول و چاپ های بعدی بنظر می رسد که در زمینه شناخت شخصیت نویسنده نکات آموزنده ای بدست دهد .

۳- نویسنده ، کتابش را به "برادر شاعر" خود خلیل تقدیم کرده است . و این





## روزانه ها

http://rouzaneha.org

کتاب را "بخاطر شوق و اصرار بی پایان" "برادر از دست رفته" اش در مورد "داستان مرد حماسه آفرین" یعنی محمد ، بعد از مرگ او و برای رضای خاطر او نوشته است .

۴- فهرست کتاب به شرح زیر است : " یاد داشت ، اعراب و کعبه ، پیغمبر (ص) در مکه ، پیغمبر (ص) در مدینه ، محمد (ص) فاتح مکه ، پیام محمد (ص) ، یادگار محمد (ص) ، یاران پیغمبر (ص) ، دو پیر ، شام و اسکندریه ، اسلام در ایران ، دوره آشوب ، درباره علی (ع) ، آغاز حکومت عربی ، کارنامه یزید ، خاندان پیغمبر (ص) ، مروانیان ، انحطاط و سقوط دولت عربی ، گزیده فهرست مآخذ ، فهرست اعلام " .

۵- نویسنده خود را مورخ می داند ( در ص ۹۷ ) ولی در واقع، "مورخ" است یعنی بجای تحقیق تاریخی و حتی واقعه نگاری ، افسانه می یابد ، به توجیه می نشیند و دروغ های دیگران را درباره محمد ، اسلام ، علی ، " دو پیر " ، " خاندان پیغمبر " و غیره تکرار می کند فقط تکرار نمی کند بلکه با شیوه شبه تحقیق خود بسه آن ها آب و رنگ می زند و شاخ و برگ می دهد .

۶- فهرست بلند بالائی بعنوان "گزیده فهرست مآخذ" به زبان های فارسی ، عربی ، انگلیسی ، فرانسه و آلمانی در پایان کتاب خود نقل می کند . وقتی به متن و زیر نویس ها مراجعه می کنید ، جز قرآن ، مقداری منابع عربی ، یکی دو کتاب از نویسندگان ناشناس آلمانی و یک کشیش لبنانی ( تازه در مورد فرد اخیر المذکر می نویسد : " هر چند در باب تحقیقات وی سخنها هست" زیر نویس ص ۱۰ ) ، نشانی نمی یابید . فهرست منابع فارسی و عربی هم واقعا دیدنی است : بحار الانوار ، اخبار الطوال ، غصیل آیات القرآن الحکیم ، سیره النبویه ، شرح نهج البلاغه ، صحیح الامام ، علی و نبوة ، و غیره . از فهرست بلند بالا به " زبان های دیگر " جز چند عبارت دستچین شده از چند مورد فوق الذکر ، در متن و زیر نویس ها اثری نیست بعنوان سیاه سی لشکر و فریب خواننده آورده شده . فقط یک نمونه از میان نمونه های بسیار فراوان : از کتاب د و جلدی " محمد در مکه " ، " محمد در مدینه " نوشته موننگری وات کسه در فهرست آمده ، کمترین اثری در هیچ جای کتاب ( جز در همان فهرست ) بچشم نمی خورد .

۷- در مورد حملات و یورش های وحشیانه اعراب ، قتل عام ها ، غارت ها ، ویرانی ها و آتش سوزی ها در سرزمین های اشغالی و حتی ایران ( خصوصا برای کسی که بنا به مصلحت : دوستار ایران و اسلام یا اسلام و ایران است ) ، بی هیچ احساس شرمی علنا اظهار خشنودی می کند ، دست به توجیه می زند ، واقعیت ها را واروند جلوه



http://rouzaneha.org

روزانه ها

می‌دهد ، افسانه می‌باقد .

خلاصه این که زرین کوب برای خشنودی روح برادر از دست رفتن اش، حیثیت خود ، اعتبار برخی از آثار خوب خود و شرافت قلم را بد مزایده می‌گذارد :  
۲۲- مثنی بن حارثه شیبانی ، یکی از سران قبیله بدوی عرب در حوالی ایران کسبه از مدت ها قبل یعنی در زمان خسرو پرویز ، غزوات یعنی شیبخون هائی علیه ایران انجام می‌داد و وقتی مورد تعقیب قرار می‌گرفت به صحاری پناهنده میشد . مثنیسی یکی از راهزنان فرصت طلبی بود که با درخشیدن ستاره اقبال اسلام ، مسلمان شد . حتی زرین کوب می‌نویسد :

” با قبول اسلام مثنی خود را به مسلمین بست تا در تاخت و تازها و راهزنی های خویش مدینه را پشت سر خود داشته باشد . ابوبکر هم که او را به جنگ [ با ایران ] رخصت داد و در دنبال او خالد بن ولید را روانه کرد و به مثنی نوشت که در برخورد با ایرانیان از خالد فرمانبرداری کند ” (بامداد اسلام، ص ۸۸) .  
۲۳- همانجا ، ص ۹۰ .

۲۴- عمر در زمان بیان این سخنان هنوز خیر نداشت که کودک یکی از همین مغلوبان که به اسارت به مدینه فرستاده شده و در آنجا بزرگ شده بود بنام فیروز ( معروف به ”ابولولو” ) ، چند سال بعد ، خود او را ” می‌خورد ” و بد انتقام جنایات بیشمار سپاهیان عرب در ایران ، دومین خلیفه مسلمین و فاتح ایران را به قتل می‌رساند .  
۲۵- ” تاریخ ایران ” ، ص ۱۵۹ .

۲۶- این را ما ادعا نمی‌کنیم بلکه یکی از ستایشگران و شیفتگان محمد ، اهل بیست و دین او یعنی عبدالحسین زرین کوب می‌نویسد :  
” اما خلافت ابوبکر از اولین روزهای شروع مواجه شد با ارتداد اعراب . ارتداد کسانی کسب ادای زکات را با نوعی باج بد مدینه تلقی کردند و از به جا آوردن نماز و خاکسپاری و ستایشگری که در آن نسبت به الله و رسول می‌شد ، ابا داشتند و ظاهر هر دو کار - زکات و نماز - را برای خویش نوعی دلت و به هر حال هر دو را خلاف مقتضای مروت عربی خویش می‌شمردند . ظهور و قوت مدعیان نبوت هم که مخصوصا از اواخر حیات پیغمبر عربستان را برآشفند بود تکیه گاه این مرتدان شد . بعضی از مرتدان نزد خلیفه پیغمبر فرستادند که نماز می‌خوانند اما زکات نمی‌دهند . بعضی دیگر گرد مدعیان نبوت فرساز آمدند و ازائین محمد بیرون شدند . در مقارن اوایل خلافت در شش جا این اهل رده در مقابل مدینه صف آرائی کردند . جاهای دیگر هم اهل رده اگر چه برای اسلام مدعی جدید نتراشیدند لیکن از پرداخت زکات و از قبول کسانی که از مدینه جهت ” جبايت ” [باج گرفتن ] آن فرستاده می‌شدند ، خود داری کردند . سرکشی در برابر قدرت مدینه در واقع از اواخر عهد پیغمبر شروع شده بود لیکن با وفات پیغمبر این روح عصیان تقریبا



http://rouzaneha.org

روزانه ها

در سراسر عربستان مجال جلوه یافت . بدین گونه ایوبکر در آغاز خلافت از همه سوی بسا  
 فتنه و عصیان مواجه شد . بسیاری از مسلمانان در آن روزها نگرانی و نومییدی خود را نشان  
 می دادند اما خلیفه با وجود دشواری ها که در پیش داشت خود را تباخت و خوشسردی  
 و آرامش خویش را از دست نداد با آن که حتی در مدینه در معرض تجاوز و غارت بود ولیسی  
 بی تردید و شزلزل اسامة بن زید را به شام فرستاد . . . . مدینه مورد تهدید طوایب سف  
 غطفان و اسد شد اما خلیفه پیر از دشواری موقع نیندیشید و غطفان و اسد را که در صدد  
 هجوم به مدینه و نزدیک مدینه بودند در نوالقصه مغلوب کرد . بعد از بازگشت اسامه  
 هم در دفع اهل رده به جد اهتمام نمود . بعضی مشاورانش مصلحت چنان دیدند که  
 به خاطر زکات یا اعراب جنگ نکنند اما او نپذیرفت و گفت اگر حتی از آنچه در زمستان  
 پیغمبر می داده اند زانو بند شتری کم کنند برای گرفتن آن یا آن ها جنگ خواهیم کرد .  
 سردار او خالد بن ولید - که پیغمبر هم وقتی او را سیف اللد خوانده بود - در دفع اهل  
 رده خدمات درخشانی کرد . هم ظلیحه مغلوب شد هم سبحاح متواری . مسیلمه نیز  
 در طی جنگی خونین کشته شد و بعد از زد و خورد ها و کشتارهای سخت باز در جزیره  
 العرب وحدت و صلح استقراری یافت . . . . ("بامداد اسلام" ، صفحات ۷۳-۷۱) .  
 ۲۷- "تاریخ ایران" ، ص ۱۵۵ .

۲۸- همانجا ، ص ۱۵۹ .

۲۹- جامعه ایران در زمان آخرین پادشاهان ساسانی و اوایل پیدایش اسلام هر  
 چه بود ( فتودالی بود . . . . نظام آسیائی بود . . . . طوک الطوایفی بود . . . . تلفیقی  
 از همه این ها بود . . . . هیچیک از این ها نبود . . . . و یا چیزی دیگر نبود . . . . ) ،  
 تغییری در ماهیت بحث ما در این نوشته نمی دهد . آنچه مهم و تعیین کننده  
 است ( و تصور نمی رود که احدی - از میان صاحب نظران در زمینه مسائل اقتصادی /  
 اجتماعی / تاریخی / با دیدگاه های متفاوت یا متضاد - با آن مخالف باشد ) اینست  
 که : مرحله تکامل اجتماعی ایران قبل از فتح نظامی ایران توسط اعراب هر چه بود  
 و هر نامی که بر آن گذاشته شود ، بمراتب پیشرفته تر از جامعه عربستان در زمان  
 محمد و جانشینان او بود .

خلاصه این که ، اسلام در ایران ، هیچ مرحله ای از تکامل اجتماعی را نمایندگی  
 نمی کرد و در این زمینه ( و نیز در زمینه های سیاسی ، فرهنگی ، اداری ، مدنی )  
 هیچ چیز نوینی را ارائه نمی داد . بلکه برعکس ، با تکیه بر عامل زور ، روند تکاملی  
 جامعه را گسند کرد ، به عقب انداخت تا به آن برسد و یا خود را به آن برساند ، نه  
 آن را با خود ( که چیزی قابل ارائه نداشت ) بلکه خود را با آن انطباق دهد .  
 و از این راه ، در اخلال و اغتشاش بیشتر در مناسبات حاکم بر جامعه ، دامن زد .  
 ۳۰- "تاریخ ایران" ، صفحات ۸۷-۱۳۱ .



http://rouzaneha.org

روزانه ها

۳۱- همانجا ، ص ۱۶۳ .

۳۲- Indus نام قدیمی رودخانه سند .

۳۳- در اینجا بی آن که بخواهیم خود را درگیر مباحث پیچیده، اکتله زیاستیکی ( Ecclésiastique ) درباره، دین و آئین بکنیم ( دین زرتشت یا آئین زرتشت ؟ دین مانئی یا آئین مانئی ؟ دین مزدک یا آئین مزدک ؟ دین مسیح یا آئین مسیح ؟ دین کنفوسیوس یا آئین کنفوسیوس ؟ دین محمد یا آئین محمد ؟ و غیره ) ، باید بگوئیم :

اولا سرکوب های دینی " سایر ادیان " در دوره ساسانیان فقط " گذرا " نبود . د و نمونه آزار و سرکوب مانئی و پیروان او در زمان شاهپور اول و فرارمانئی به هند و تبت و چین و بالاخره دستگیری و قتل او توسط بهرام اول و نیز قتل مزدک و سرکوب وحشیانه طرفداران او توسط انوشیروان " عادل " برای رد این نظریه به تنهایی کافیت .

و ثانيا این امر فقط " علل سیاسی " نداشت و همواره " علل دینی " هم داشت . کریستینسن ، بخاطر مطالعات پیر دامنه اش در مورد دوره ساسانیان ، که نظرش صائب تر از نظر ماکسیم رودنسون است ، در کتاب خود :

Le roi Kauvadh et le communisme Mazdakite, 1925.

( که ترجمه فارسی آن تحت عنوان " تاریخ سلطنت قباد و ظهور مزدک " ، ترجمه نصرالله فلسفی و احمد بیرشک ، ۱۳۰۹ ، تهران انتشار یافته است ) ، مثلا درباره مزدک نظری مغایر با رودنسون ارائه می دهد ( ما پاراگراف زیر را از فرهنگ معین ، جلد ششم ، صفحات ۱۹۶۴-۱۹۶۳ - که خود او از کتاب مذکور در فوق کریستینسن استخراج کرده است - ، بطور اجمالی نقل می کنیم ) :

قباد در دوره اول سلطنت خود ( ۴۹۸-۴۸۸ میلادی ) ، طرفدار مزدک شده بود که بر اثر شورش نجبا و با دسیسه موبدان مجبور به فرار شد و بیاری خاقان چین ، تاج و تخت خود را بدست آورد . و در دوره دوم سلطنت ( ۴۹۹-۴۹۸ ) با این که نسبت به مزدکیان جانب احتیاط را رعایت می کرد و با این حال از دسیسه چینیسی رهبران دینی در امان نبود و بالاخره طرح جانشینی او مطرح شد ، خسرو انوشیروان و کاس ، نامزد های ولایتعهدی بودند . بدینال تشکیل یک مجلس مباحثه مذهبی ، قابل ترین مباحثان از میان موبدان انتخاب شدند و اسقف عیسویان نیز در مخالفت با مزدکیان ، با زرتشتیان همدستان بود .

انوشیروان به پادشاهی انتخاب شد و همین انوشیروان بود که به کشتار دستجمعی مزدکیان و قتل مزدک پرداخت ( در مورد نهضت مزدکیان همچنین



## روزانه ها <http://rouzaneha.org>

مراجعه کنید به "تاریخ ایران" صفحات ۹۶-۱۰۰ و "تکامل فتوح الیسم در ایران"، (صفحات ۲۸۹-۲۸۴) . البته ماکسیم رود نسون ، در صفحه بعدی کتاب خود (ص ۲۸) مطلبی را عنوان می کند که کاملاً متناقض با پاراگراف ارائه شده در عبارت قبلی اوست . او در اینجا می نویسد :

رهبران مسیحی و یهودی مستقر در ایران ، قدرت های فوق العاده ای در حیطه پیر و ان خود داشتند و حتی در زمره مشاوران برجسته امپراطوری ایران بشمار می رفتند . و بعد ادامه می دهد :

"علی رغم برخی درگیری ها و برخاستن شعله های کم دوام آزار و اذیت ها ، که غالباً از تعصب زیاد در کشاندن دیگران به دین خود و یا بر اثر دخالت رهبران دینی در امور عالیله سیاسی ناشی میشد ، یهودیان و نستوریان در ایران ، موقعیتی نسبتاً بسیار مساعد داشته اند " .

البته این اظهار نظر رود نسون فقط در دوره های مشخصی از سلسله ساسانی - بر اثر ملاحظات سیاسی - درست است ، نه در تمامی حاکمیت این سلسله . نویسندگان "تاریخ ایران" در این زمینه مشخص ، نظری مغایر با رود نسون ارائه می دهند :

"مسیحیت در قرن های سوم و چهارم میلادی در بین النهرین و خوزستان و تا اندازه ای دیگر ایالات ایران رواج یافت . پس از آن که مسیحیت مذهب رسمی امپراطوری روم شد ساسانیان مسیحیان را هواخواهان سیاسی روم شمردند . تعقیب و آزار مسیحیان ایران و کشتار ایشان - از سال سی ام قرن چهارم تا سال هشتادم قرن پنجم با وقعه هائی گه گاه و بیگانه پدید می آمده ، دوام داشت تا این که در آن سال ، کلیسای سریانی ایران با اصطلاح طریقت نستوری را پذیرفت ( کلیسای رومیة الصغری را به کفر متهم کرد ) و بسا کلیسای ارتودوکس رومیة الصغری قطع رابطه نمود . از آن زمان ، دلایل سیاسی برای تعقیب مسیحیان ایران از میان رفت و د مذهب مسیحی یکی نستوری و دیگری مونوفیزیست (ولی نه ارتودوکس) آشکارا و رسماً در ایران حق وجود پیدا کردند " (ص ۸۶) .

۲۴ - Sarrasins - Saracènes . ماکسیم رود نسون در صفحات ۲۰ و ۲۱ کتاب خود این اصطلاح را آگاهانه به دو شکل متفاوت فوق ثبت می کند که اولی نقل قولی مستقیم یا غیر مستقیم از خاطرات "کوسماس" است و دومی رسم الخط متداول بعدی آن . اعراب عربستان Sarrasins خوانده میشدند . بعدها ، در قرون وسطی ، حتی مسلمانان شمال افریقا و اسپانیا را نیز اصطلاحاً Sarrasins می نامیدند . ماکسیم رود نسون ، در فصل دوم کتاب خود ، "معرفی يك سرزمین" (ص ۳۱) ، ریشه ها و مشتقات یونانی این اصطلاح را بدست می دهد ( که در شماره آینه - "اندیشه رهائی" خواهد آمد ) و در اینجا فقط اشاره کنیم که ما با توجه به ریشه ، یونانی این اصطلاح ، آنرا "چادر نشین ها" ترجمه کرده ایم .



http://rouzaneha.org

روزانه ها

# اندیشه رهائی



نشریه خارج از کشور سازمان وحدت کمونیستی

دی ۱۳۶۴

شماره ۵

در باره مطالب این شماره

«انقلاب ایدئولوژیک» محمدرضا خاکی، روانشناسی اجتماعی توتالیتریزم و مذهب  
منهائی اشباح

ملاحظات در باره اترناسیونال سوم و مسئله شرق  
۳ - کنگره دوم کمیتون - بررسی اسناد

آب در خوابگاه مورچگان : «دریای بیکران لیبرالیسم وحدت کمونیستی»  
نگاهی به نقد گونه ای از «حزب کمونیست ایران»

فتوای حضرت امام !  
یک داستان کوتاه

میاحتی پیرامون ساختار و ماهیت جامعه شوروی

۴ - مالکیت دولتی و ماهیت طبقه حاکم شوروی - اسورمن

۵ - استالیسیسم ، ایدئولوژی سرمایه داری دولتی - شازل بلهیم ، برنارشاواتس

اسلام در بطن چه شرایط اجتماعی بوجود آمد ؟

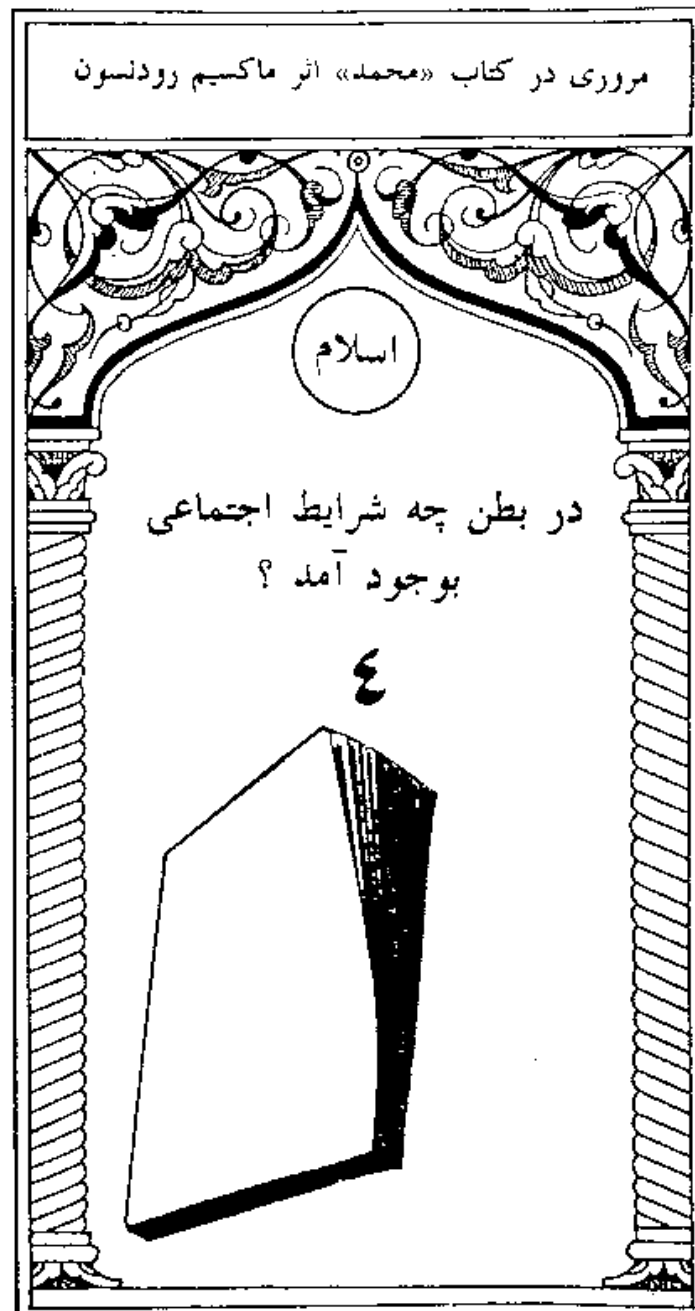
۳ - مروری در کتاب «محمد» اثر ماکسیم رودنسون



<http://rouzaneha.org>

روزانه ها

## در باره دین





http://rouzaneha.org

روزانه ها

## همه سال دوم

### ” معرفی يك سرزمین ”

#### مقدمه

در شماره های گذشته ” اندیشه رهائی ” ، پس از معرفی بیوگرافی محمد ، نوشته ماکسیم رودنسون ، قضاوت کلی درباره این کتاب ، نویسنده آن و نگاهی گذرا بسه شیوه تحلیل او در رابطه با اسلام و مسائل اسلامی ، پس از اشاره به هدف انتخاب این کتاب برای معرفی و علت و چگونگی تلخیص و در نتیجه ، نحوه ترجمه مطالب آن ، بخش هایی از پیشگفتار نویسنده را ارائه دادیم ( ” اندیشه رهائی ” ، شماره ۲ ، صفحات ۱۶۶-۱۵۴ ) .





## روزانه ها <http://rouzaneha.org>

آنگاه طی مباحثی باین امر پرداختیم: اسلام در سر چه شرایط تاریخی و جهانی بوجود آمد یا امکان ظهور و استقرار یافت - بدوا در عربستان، سپس در بخش مهمی از جهان آن روز - و تحت چه شرایط جهانی مشخص، توانست سلطه خود را بر بسیاری از کشورها بویژه به دو امپراطوری بزرگ آن ایام (ایران و روم شرقی) تحمیل کند ("اندیشه رهائی"، شماره ۴-۳، صفحات ۲۹۲-۲۶۵).

در صفحات فوق الذکر، در متن و زیرنویس های نوشته، کتاب "محمد" را تقریباً فراموش کردیم چرا که بنظر ما، مباحث بسیار مهمی که در رابطه با پیدایش، استقرار و گسترش اسلام می باید مطرح شود، رود نسون در فصل اول کتاب خود ("معرفی یسک جهان") یا به آن ها نپرداخته یا بسیار مختصر (بیش از حد مختصر) به آن ها اشاره کرده است. بهر دلیل و علتی که رود نسون به مسئله استقرار و گسترش اسلام توجه کافی میدول نداشته باشد بنظر ما، همانطوری که در همانجا توضیح داده ایم، مسئله ای بسیار با اهمیت است. و بخاطر اهمیت بسیار این مسئله، در متن و زیرنویس های شماره گذشته، آن را در حد امکان صفحات نشریه، گسترش دادیم. بطوری که خوانندگان خود متوجه شده اند، هدف واقعی ما در تهیه این سلسله مطالب، صرفاً معرفی، نقد و تلخیص يك کتاب نیست بلکه همچنین و بویژه این امر بهانه ایست برای طرح مسائلی در رابطه با اسلام، مسائلی که امروزه، بنحو موحشی گریبانگیر جامعه ما است.

باری، در همان شماره گذشته نشریه، علل و عوامل پیروزی مسلمین، بویژه در جنگ های خارجی، را بر شمردیم و بعنوان نمونه، بطور مختصر، پیروزی اعراب بر ایران را مورد بررسی قرار دادیم. در آن بخش از نوشته، بد رستی، چه در رابطه با پیدایش، استقرار و گسترش اسلام در عربستان، چه بویژه در رابطه با پیدایش، استقرار و گسترش اسلام در خارج از مرزهای عربستان، ضمن تکیه بر اهمیت شرایط اجتماعی - اقتصادی - هم در کشور غالب و هم در کشورهای مغلوب -، خود را باین عوامل محدود نکردیم، چرا که بیش يك بُعدی، هیچگاه توضیح دهند و کامل ماهیت چند بُعدی و پیچیده مسائل نیست. در رابطه با مسئله مورد بحث در آنجا بنظر ما، شرایط تاریخی و جهانی، در گسترش و استقرار اولیه اسلام در بخش عمده ای از جهان آن روز، نقشی بسیار مهم ایفاء کرده اند. در همانجا نوشتیم: "ظهور و استقرار يك دین فقط ناشی از شرایط اجتماعی يك سرزمین معین نیست. شرایط جهانی هم در ظهور و استقرار آن نقش مهمی دارند" (تاکید ها از همانجا) و در سرتاسر آن بخش از مقاله کوشیدیم که این را نشان دهیم. متعاقب این، ضمن توجه بر اهمیت شرایط سیاسی، نظامی و فرهنگی جوامع مغلوب، پس از تاکید بر این



## روزانه‌ها

http://rouzaneha.org

که بحث ما در آنجا، "بر سر ظهور و استقرار یک دین در یک جامعه معین است نه تداوم و استمرار آن در طی قرون متناهی - که این خود از مکانیسم‌های دیگسری پیروی می‌کند"، پس از تأکید بر نقش قدرت سیاسی و کاربرد اهرم‌های اساسی آن در یک جامعه طبقاتی، به یک عامل مهم دیگر در توسعه سریع اسلام، چنانچه در عربستان و چه بویژه در کشورهای مغلوب، را بر شمردیم و آن را "عامل زور" نامیدیم و تعریف آن را (که فقط "قهر" نیست) در همانجا ارائه دادیم. آنگاه انگیزه‌های اصلی غزایان عرب - با بدست دادن مفهوم درست و دقیق "غزوه" بویژه در جنگ‌های خارجی با کشورهای ثروتمند - را بیان داشتیم. چون بحث ما در آنجا (بعنوان مثال) عمدتاً در باره ایران بود، نمونه‌های تاریخی متعددی در این زمینه بدست دادیم و در آن بحث‌ها نکوشیدیم، برای این که "علمی" سخن بگوئیم، یک مسئله باندازه کافی ساده را پیچیده کنیم. در نتیجه، محور مباحث خود را بسط احکام "کلی" و "جهانشمول" (یا آنچه بعنوان احکام کلی و جهانشمول جلوس داده می‌شود) محدود نکردیم و کوشیدیم که در فراسوی آن‌ها، مسائل چهارده قرن قبل را با برداشت‌های عام یا عامیانه شده امروزی ننگیم. با این همه، مدعی نیستیم که تزه‌های ارائه شده در آنجا، بی نقص و کاملند چرا که امکان اشتباه در مباحث شوریک را هرگز منتفی نمی‌دانیم، اگر جز این باشد نه با یک تئوری (نظریه - فرضیه) بلکه با یک حکم قاطع و لایزال مواجه ایم. و این، با قوانین سوسیالیسم علمیست مغایر است.

با اطلاعات راقم این سطور (که بی شک کامل نیست)، برخی از تزه‌های ارائه شده در آن بخش از مقاله، در رابطه با ادیان و بویژه دین اسلام، تزه‌های کم و بیش جدیدند. جدید بودن را هیچ فضیلتی نیست. اگر فضیلتی متصور باشد، در درست بودن یک تزا است. و محک این درستی، سنتر حاصله از برخورد آراء و نظرهاست. از این رو، انتظار داشتیم (و داریم) که خوانندگان صاحب نظر در مباحث تاریخی و اسلامی در زمینه مطالب عنوان شده در آن بخش از مقاله درگیر شوند و نگارنده گمان نمی‌کند که مسئولان نشریه از اینگونه جدل‌های نظری استقبال نکنند و صفحاتی را باین امر اختصاص ندهند.



در این شماره، فصل "معرفی یک سرزمین" به شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و مذهبی جامعه‌ای اختصاص دارد که اسلام در آن بوجود آمد و رشد کرد. در مقدمه این سلسله مقالات در شماره گذشته نوشته ایم: در شماره



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

بعد "برخلاف شماره حاضر، قلم را عمدتاً بدست ماکسیم رود نسون خواهیم سپرد چرا که او با اطلاعات گسترده و شناخت عمیق خود از جامعه عربستان، ویژگی های سرزمینی را بخوبی تصویر می کند که موطن اسلام نام گرفت، چرا که بر این تصویر جامع او چیز زیادی نمی توان افزود". در اینجا، به آن وعده خود عمل کرده ایم. و برای این که در آن تصویر بهم پیوسته و منسجم گسستی ایجاد نشود مطالب توضیحی یا تکمیلی خود را به زیر نویس ها و ضمایم انتقال داده ایم. از سوی دیگر، بدلیلی که گفته شد، حیفاً آمد که بخش های مهمی از این فصل از کتاب "محمد" را ارائه ند هیــــــــــــم و در نتیجه، کوشیده ایم مطالب آن را هر چه کمتر تلخیص کنیم. بنابراین مجبـــــــــــــور شده ایم که مطالب آن را برای دو شماره - يك بخش در این شماره و بخش دیگری در شماره آینده نشریه - تنظیم کنیم.

## ه - سبائی

## ماکسیم رود نسون می نویسد:

کسانی را که در آن ایام به یونانی ساراکنوآ (Sarakēnoi) به لاتین ساراسنی (Saraceni) می نامیدند - و واژه فرانسوی Sarrasin (۱) ما از آن زبان ها گرفته شده - قبل از آن ایام عرب سنیت (Cénite به یونانی سکنه Skênê) یعنی عربی نامیده می شد که در زیر چادر زندگی می کنند. آن ها خود را فقط عرب می نامیدند. از بیاد نیاوردنش ترین زمان هــــــــــــا، در همین سرزمین ها زیسته اند، واحدی بیاد ندارد که قبل از آن هــــــــــــا مردم دیگری در اینجا زندگی کرده باشند.

سرزمینی عظیم، تقریباً به وسعت يك سوم اروپا. با جمعیتی بسیار کم. کمیاب بودن باران، بخش اعظم این سرزمین را بصورت کویر در آورده بود. در برخی نقاط، ده سال بیایی باران نمی بارید. مناطقی گسترده باتپه هائی تا ۲۰۰ متر ارتفاع و با چندین کیلومتر طول. یکی از این مناطـــــــــــــــــق، ربع الخالی (Rab' Al-khâli) بود بوسعت خاك فرانسه. میدان هـــــــــــــسای بسیار وسیع از مواد آشفشانی وجود داشت که از بروز آتش نشان های کم و بیش

۱- در توضیح این واژه مراجعه کنید به "اندیشه رهائی"، شماره های ۳، ۴،

ص ۲۹۳، زیر نویس شماره ۲۶.



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

قدیمی خیر می دادند .

بسترهای رودخانه (وادی) ، شواهدی بودند از دوره های مرطوب . ولی از دوره های تاریخی به بعد ، بیشتر اوقات خشک بوده اند . گهگاه چنبد مرداب در کنارشان دیده می شدند . و باران های ناگهانی ، گاهی اوقات ، در مدت زمانی کوتاه ، آن ها را به سیلاب های تند بدل می کردند . آب وجود داشت . ولی برای جستجویش می بایست به حفر چاه پرداخت . گاهی عمق این چاه ها به ۱۷۰ متر می رسید . ناگهان چشمه ای ظاهر می شد و در این حال ، واخه ای نمایان می گردید که گیاهان سبزش ، آن را از کویر اطراف ، مجزا می کرد . در جا های دیگر نیز ، بویژه در دشت های ساحلی که باران در آنجا بیشتر بچشم می خورد ، بسترهای درونی وادی (رودخانه) ها با اندازه کافی آب ذخیره می کردند تا امکان نوعی کشت و زرع فراهم گردد . حتی در مناطق کویری ، رگبارها ، ناگهان برای چند ساعت ، گل ها و علف های وحشی را پدید می آوردند .

شرایط جغرافیائی ، نوع زندگی را تحمیل می کرد . با توجه به تسلط مطلق کویر بر شبه الجزیره ، نوع زندگی تحمیل شده در ارتباط با آن ، چادر نشینی شبانی بود . ساکنان این مناطق ، در دومین هزاره قبل از میلاد مسیح ، شتر را اهلی کردند . از آن پس ، گروه های کوچک چادر نشین ، بدنبال شتر ، که معاششان را تأمین می کرد ، براه افتادند . اسپرنگسپر (Sprenger) می گوید : عرب ، زائده شتر است .

در "بهار" ، وقتی که باران می بارید ، همه ، به همراه حیوانات خود بطرف مناطقی هجوم می بردند که آب ، سبزی را به ارمغان می آورد . این روزها ، روزهای سرور و شادمانی بود . روزهایی که حیوانات و آدم ها ، در چشم انداز دوره های قحطی آینده ، شکمی از عزا در می آوردند . گروه های کوچک از هم جدا می شدند تا از این نعمت بزرگ بهره مند شوند . سپس ، زمان خشکی فرا می رسید و گروه های انسانی در اطراف نقاط دائمی آب ، متمرکز می شدند . در آنجائی که علی رغم خشکی ، گیاهان و بوته ها همچنان به حیات خود ادامه می دادند .

در دیگر مناطق ، برخی حیوانات کشت می شد . ولی در واحه ها ، جمع



## روزانه ها <http://rouzaneha.org>

کوچک یکجا نشینان (۲)، درخت خرما - درخت درختان - را پرورش می داد که نه فقط میوه اش بلکه تمامی عناصرش تا به انتها مورد مصرف قرار می گرفت (درختی که آن را "عمه و مادر اعراب" نام داده اند)، و تنها ماده مقوی (اگر شیر شتر را کنار بگذاریم که بندرت به آن اضافه می شد) توده های محروم بدوی بشمار می رفت.

تمامی عناصر این جماعات - کشتکاران درخت خرما یا (ندرتاً) حبوبات، میوه و سبزی، چادر نشینان پرورش دهنده شتر راستپ ها و کویر، روستا نشینان و شهر نشینان مناطق اطراف -، مجبور بودند که در ارتباط نزدیک بهم زندگی کنند چرا که هر دسته از این عناصر به دسته های دیگر نیاز داشت. **جمل سواران (Chamaliens)**، بخاطر سوارکاری سریع شان، از نظر نظامی به کسب برتری نائل شدند و عملاً بر یکجا نشینان، بویژه ساکنان واحه های منزوی در اقیانوس کویر، تسلط یافتند.

تجارت یکی از روابط مسالمت آمیز این جماعات را تشکیل می داد. شتر، یعنی کشتی کویر، امکان می داد که این گستره های عظیم پیموده شود. این حیوان می توانست تا ۲۰۰ کیلو بار حمل کند و در طی یکروز، صد کیلومتر را پشت سر بگذارد، بعدت بیست روز، در زیر پنجاه درجه حرارت راه بیرون بشرطی که کمی علوفه در اختیارش قرار گیرد و در غیر اینصورت یعنی در صورت فقدان علوفه نیز، قبل از این که از پای در آید، بعدت پنج روز راه می پیمود. کاروان ها می توانستند مناطق متمدن عربستان جنوبی (یمن) را به "هلال حاصلخیز" متصل کنند تا محصولاتی که در هر یک از آن ها تهیه می شد به دیگری

۲- یکجا نشینان را در مقابل واژه فرانسوی Sédentaires قرار داده ایم که در اینجا منظور از آن، گروه های انسانی است که در محل ثابتی سکونت گزیده اند و در نقطه مقابل آن، چادر نشینان و خانه بدوشان (Nomades) قرار دارد که هنوز در روزگار ما، اعراب بادیه نشین، کولیان، ایلات، آوارگان از آن جمله اند. قبل از پیدایش اسلام هر دو دسته در عربستان وجود داشت. دسته اول در شهرها، واحه ها و در کنار چشمه ها زندگی می کرد و دسته دوم، چادر بدوش، بدنبال آب و علف - برای خود و شترش - مداوم از نقطه ای به نقطه ای دیگر نقل مکان می داد.



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

برسانند و علاوه بر این ، محصولات ترانزیتی را همراهی می‌کردند که از یسک سواز هند ، افریقای شرقی و خاور دور و از سوی دیگر ، از تمامی دنیای مدیترانه ای می‌آمدند . اعراب بدوی (Bédouins) از این کاروان ها حلق عبور از مناطق مورد کنترل خود را طلب می‌کردند مگر این که یک دولت قوی ، با قوای نظامی ، عبور کاروان ها را تضمین می‌کرد . در یک سطح محدودتر ، مبادلات طبعاً بین چادر نشینان و یکجانشینان صورت می‌گرفت حتی در همین حد که امکان تهیه غذائی را فراهم کند تا شیر شتر چادر نشینان و خرما ی یکجانشینان بهم درآمیزد . یک سلسله بازار یا بازار مکاره وجسود داشت که گاهی در اطراف یک چشمه یا یک معبد ، شکل دائمی بخشود می‌گرفت . علاوه بر مداین (Cités) شکل گرفته در واحه ها ، مداین پراکنده ای نیز در کویر وجود داشت . این مداین ، محل اقامت بازرگانان و پیشه‌وران و - نیز در صورتی که وضعیت مکانی اجازه می‌داد - روستائیان و همچنین روسای قبایل چادر نشین بودند . این روسای قبایل ، از همیمن جا - بهمراه رفاه نسبی و با ملتزمین کم و بیش متعددشان - افراد قبایل سرگردان و خانه بدوش خود را تحت نظر داشتند .

در این مداین و نیز در واحه ها و استپ‌های قابل کشت و زرع ، ساخت‌های اجتماعی مخصوص به زندگی بادیه نشینی ، حفظ می‌شد . گروههای کوچک انسانی - که بعد آن ها بر اثر ضرورت‌های حیاتی تحمیل می‌شد و می‌توان آن ها را عشیره (Clan) یا مادون قبیله (Sous-tribu) نامید - ، سلول‌های پایه را تشکیل می‌دادند . عشایری که ، درست یسا نادرست ، نوعی خویشاوندی در بین خود قائل بودند ، قبیله ای ایجاب می‌کردند . هر قبیله ، نسب اجداد خود را داشت . ایدئولوگ ها و سیاستمداران بادیه ، شجره نامه هائی را بر پا می‌داشتند که در آن ها ، خویشاوندی مفروض با این اجداد ، روابط کم و بیش نزد یک گروه هائهمسی را منعکس می‌کردند که نام آن اجداد را بر خود داشتند .

این روابط می‌توانست مسالمت آمیز باشد . ولی فقر وحشتناکی که عمدتاً گروه های عرب را در بر می‌گرفت ، میل به تصرف - از طریق زور - دارائی های (غالباً نسبی) کسانی را شدت می‌بخشید که تقدیر کمی نسبت به اینسان



خانه

قلم ها

[info@rouzaneha.org](mailto:info@rouzaneha.org)

پیوندها

روزانه ها

<http://rouzaneha.org>

اسلام بر بستر چه شرایط تاریخی بوجود آمد؟ (3)

<http://rouzaneha.org>

روزانه ها



از نگاه فریدون ایل بیگی

[info@rouzaneha.org](mailto:info@rouzaneha.org)